

آهنگ‌شناسی (عروض آسان)

آنچه می خوانید چکیده کتابی است که در سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به صورت طرحی در راه ساده کردن عروض فارسی پیشنهاد شد و نمونه کامل‌تر و علمی‌تر آن در سال ۱۳۷۹ به نام آهنگ‌شناسی (عروض) منتشر گردیده است. در این مقاله نخست اشاره‌ای به دشواریهای عروض سنتی می‌شود، آنگاه روشهایی که چاره‌اندیشان معاصر از آن کرده‌اند مطرح می‌گردد و پس از تقدیم گذرا روش آهنگ‌شناسی که به گمان نگارنده تاکنون ساده‌ترین و بسیامان ترین و کارآمدترین شیوه در طبقه‌بندی و نام‌گذاری اوزان اشعار فارسی است از نظر خوانندگان می‌گذرد.

از عروضیان معاصر کمتر کسی را می‌توان یافت که درباره دشواریهای عروض سنتی سخنی نگفته یا آن را مورد انتقاد قرار نداده باشد. از جمله دکتر ابوالحسن نجفی می‌گوید: «مهم ترین و مشکل ترین مسئله عروض فارسی از قدیم تا امروز طبقه‌بندی و وزنها بوده است.» در جای دیگر می‌فرماید: «مشکل بزرگ عروض سنتی... وجود زحافات است که کثرت آنها هر متعلم مشتاق را می‌رماند.»^۱ شادروان دکتر خانلری می‌گوید: «کثرت شماره افاعیل عروضی چنان کار را دشوار ساخته که نمی‌توان آنها را به خاطر سپرد و به سهولت اشعار را با این موازین سنجید.» اینها همه قولی است که جملگی برآیند.

خوبی‌خسته‌انه تنی چند از استادان و پژوهندگان معاصر به چاره جویی برخاسته، روشهایی اندیشیده و پیشنهاد نموده‌اند. نخستین بار آقای دکتر خانلری با توجه به تعداد هجا در واژه‌های

فارسی ده واژه دو و سه هجایی (نو، آوا، چامه، همه، خشاوا، بنوا، نیکاو، خشنوا، ترانه، زمزمه) ساخته و آنها ارکان تقطیع قرار داده سپس اوزان مختلف را در پانزده سلسله گنجانده است. روان‌شاد مسعود فرزاد سه رکن («فاعیل‌ان، فاعلان، مستفعلن») را اساس قرار داده دیگر رکن‌ها را از متفرعات این سه پایه دانسته‌اند؛ در ضمن ارکان مختص به هجای کوتاه را پذیرفته و در تقطیع نیز میانه مصراع چهارکنی را لولای وسط نام نهاده، ارکان با هجای کمتر را در اول مصراع قرار داده است (خلاف سنت معمول).

الول ساتن انگلیسی نیز کوشیده است با روشنی علمی اوزان را طبقه‌بندی نماید. وی چهارده رشته نظم به دست داده و آنها را با توجه به تعداد هجایها شماره‌گذاری نموده است.

آخرآقای ایرج کابلی با رنجی فراوان و تلاشی در خور تحسین روش الول ساتن را سامان بخشیده، روشنی علمی و کارآمد. اما نه چندان ساده پیشنهاد نموده است. وی هجای بلنده (—) را دانه و هجای کوتاه (L) را نیم دانه و در شمارش هجای‌ها یک رکن یا مصراع آنها را بند نماییده است. ارکان پدید آمده از بند‌ها را ریسه و تکرار ریسه‌ها را رشته نظم نام نهاده است. در این شیوه ریسه‌ها از دوبندی شروع شده تا هشت بندی پیش می‌رود. این ریسه‌ها با توجه به تعداد نیم دانه‌های بیشتر و نیز تراکم آنها در آغاز ریسه تقدم و تأخیر پیدا می‌کند و با بردن هر بند از آغاز به پایان ریسه معلوم می‌گردد که ریسه چندم آغاز است. به عنوان مثال ریسه (LL)—یکمین سه بندیها را ریسه (L—) دومنین سه بندیها نماییده شده است. این ریسه‌ها هر دو یکم آغاز است زیرا تراکم نیم دانه‌ها در آغاز ریسه است. حال چنانچه (L—) به صورت

آهنگ شناسی

جمال صدری

راهنمایی جوینده و فقدان عینی ضوابط حاکم بر تشکیل گروهها عملاً کارآئی چندان ندارد.^۳

اکنون باید افزود که روش آقای کابلی از شیوه فرزاد و خانلری دقیق تر و فراگیرتر و از شیوه ساتن گویاتر است، اما دشواری دست یافتن به وزن همچنان بر جاست ضمن این که وزن شماره‌ای (نمایش وزن با شماره) هم شیوه مناسبی نتواند بود. از طرفی چون در این روش تلفیق دوپایه مختلف پذیرفته نیست پایه‌های (رسه‌ها) تا هشت هجایی هم پدید آمده و کار را دشوار ساخته است. اینک با معروفی روش طبقه‌بندی اوزان در آهنگ‌شناسی، کارآمدی و سادگی آن را نشان داده با آوردن نمونه‌ها این چند روش را مقایسه می‌کنیم.

نگارنده را عقیده بر این است که پس از هجایندی و برش زنی مصراع به مجموعه هجاها منظم، بهترین روش نام‌گذاری برگزیدن معادله‌ای کلامی در برابر مجموعه هجاست با این شرط که این معادله‌ها در یک نظام قرار گیرند و قانونمند باشند، از این رو با بهره‌گیری از جنبه‌های مشت عروض سنتی و معادل‌سازی دکتر خانلری پنج واژه واره نوا (۱۱ - آوا -) بنوا (۱۱ - خشنوا -) خشنوا (- ۱۱ -) را برگزیده آنها را بن‌پایه دیگر واژه واره‌های هم خانواده خود قرار می‌دهیم. آنگاه با افزودن یک تا دو هجا به هر بن‌پایه هم خانواده‌های موردنیاز را پدید می‌آوریم. بدین صورت:

الف - هم خانواده‌های نوا

- ۱- نوا (۱۱ -) + هجای کوتاه ← نوای (۱۱ -)
- ۲- نوا (۱۱ -) + هجای بلند ← نواها (۱۱ -)
- ۳- نوا (۱۱ -) + هجای بلند و کوتاه ← نواهای (۱۱ -)

(۱۱ -) درآید دوم آغاز و اگر به شکل (۱۱ -) درآید سوم آغاز می‌شود، بنابراین وزن شاهنامه که تکرار رسه (۱۱ -) است و دارای یازده بند (هجا) است.

(۱۱ -) رشته یازده بندی یکم آغاز از دوین سه‌بندیه است و به این صورت شماره‌گذاری می‌گردد (۱۱ : ۲۱ ۱۱). البته کسان دیگری نیز روش‌هایی را پیشنهاد نموده‌اند که معرفی و بررسی آنها سخن را به درازا می‌کشاند از این رو به ذکر همین چند روشی که از بقیه علمی تر است بسنده می‌کنیم.

از شیوه‌های جدید به گفته دکتر ابوالحسن نجفی «شیوه فرزاد منضبط ترین و در عین حال من‌عنده ترین و دشوارترین است و بیشترین مقدار وزن شعر فارسی را به دست می‌دهد. شیوه خانلری نامنضبط تر ولی در عین حال ساده تر و باذوق سلیم موافق تر است و کم ترین مقدار شعر فارسی را عرضه می‌کند. شیوه ساتن منطقی تر و مرتب تر از هر دو شیوه دیگر است اما به سبب عدم توضیح کافی در

خشنون ایتو، خشنون اخشنون!

لازم به ذکر است که در آهنگ شناسی از جنبه‌های مثبت دیگر روشنها استفاده شده بدون آن که گرفتار پیچیدگیهای آنها شده باشیم. از عروض سنتی برش زنی مصراع در سه یا چهار پایه سه و چهار هجایی و بردن پایه کوتاه تر به آخر مصراع - برخلاف روش فرزاد - برگزیده شده اما در معادل سازی گرفتار افاعیل عروضی نگشته ایم تا در پیچ و خم زحافتات نیفتشیم. در ساختن نام پایه‌ها از اسلوب واژه‌سازی در زبان فارسی پیروی شده نه وزن صرفی و قالبی زبان عربی و دیدیم که با انتخاب واژه‌های (نوا، آوا، بنوا...) به عنوان بن توانستیم یک یا دو هجا به پایان آنها بیفزاییم و همان‌نحوه‌های موردنیاز سازیم همان‌گونه که در زبان فارسی مشتق سازی می‌کیم. از دکتر خانلری علاوه بر پذیرفتن هجایی کوتاه و بلند واژه‌های (نوا، آوا، بنوا، خشنوا) برگرفته شده و به دلیل نیاز واژه‌واره خشتبنا به آنها اضافه شده است، اما به جای برگزیدن دیگر واژه‌های استاد (ترانه، زمزمه، خشاو، نیکاو...) با پیچ واژه انتخابی (بن پایه‌ها) مشتق سازی نموده هم خانواده‌های آنها را در حد نیاز پدید آورده‌ایم و این رمز موقتیت و کارآمدی و فراگیری نواها گشته است و همین ویژگی سبب شده است که از یک سو نظم و انصباط فرزاد رعایت شود از سوی دیگر دجاجه ایکنده، واژه‌های دهگانه دکتر خانلری نگذد.

از روش آقای کابلی که به نظر نگارنده علمی تر و منضبط تر از دیگر روشهاست به دو دلیل استفاده نکرده‌ام. نخست این که ده سال پس از طرح اولیه آهنگ شناسی منتشر گشته و بدیهی است که در آن زمان از مطالعه آن محروم بوده‌ام. دلیل دیگر این که وزن شماره‌ای و خواندن آهنگ‌ها با یافتن شماره هجا و تعیین چندین آغاز و پایه در ریشه‌های پنج تا هشت هجایی هم دشوار و هم باشیوه آهنگ شناسی نباشد.

اینک برای روش‌تر شدن مطلب نخست نظر دکتر نجفی را در مورد طبقه‌بندی اوزان می‌آورم آنگاه با آوردن چند مثال به مقایسه روشهای مطرح شده می‌پردازم و انتخاب را به استادان فن و امام گذارم.

بهترین طبقه‌بندی آن است که بیشترین مقدار واقعیت را در برگیرد و ساده‌ترین راه توضیح آنها را به دست دهد. پس هر طبقه‌بندی معتبری باید واحد سه شرط باشد: سهولت مراجعته... تعیین سلسه مراتب واحدها... پیش‌بینی واقعیتهای آینده^۲ و بنابر آنچه پیش از این توضیح داده شد نگارنده را عقیده بر این است که آهنگ شناسی تمام شرایط بالا را دارد.

مقایسه روشها با چند نمونه:

الف. «عاشقی» پیداست از زاری

۱- روش سنتی: فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن. بحر رمل مسدس

دوی خانه های اسلامی آذربایجان

۳۰۶ فناوری اسلامی

۴- داشت کلارا : (الد ۲: ۴) شفه زاده هزار چهار

ایرومنی ببینی، ایرومنی رسته یا زردابندی پنهانها

۱۰۷- آنکه شاهزاده خود را خواهد داشت

^۳ دستگاه خشنه اها سه بایه ناقص (از دستگاه خشنه)

جامعة الملك عبد الله للعلوم والتقنية

ب- «دلاسون» کو سونتے کارہائے کارا

$$= \text{H} \text{H} / \text{H} \text{H} = \text{H} \text{V} / \text{H} \text{V} = \text{H} \text{H} \text{V} / \text{H} \text{V} = \text{H} = \text{H}$$

ڈی مختصر احمد فیض

جامعة اليرموك - كلية التربية

140

- نجفی، ابوالحسن، مقاله «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، مجله آشنایی با دانش، چاپ ۱۳۵۹، صص ۵۹۱ و ۵۹۵.
 - خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، ص ۱۵۸.
 - نجفی، ابوالحسن، مقاله «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، مجله آشنایی با دانش، سال ۵۹، ص ۵۹۲.
 - همان مجله، همان صفحه.